

ماجرای وقف دماوند‌ها حل می‌شود؟

دولت بالاخره برای صیانت از منابع طبیعی لایحه داد

لایحه دولت نتیجه یک کنشگری اجتماعی موفق

پیش از بیان هر چیزی دوست دارم در ارتباط با فضای مطالبه‌گرا نه و کنشگری عمومی در بطن این واقعه صحبت کنم. به‌رحال می‌دانیم دعوی بین سازمان اوقاف و نهادهای متولی در حوزه محیط‌زیست، درگیری دیرینه‌ای است. این

ماجرای لایحه چیست؟

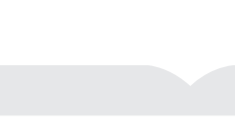
پیرو مساله وقف انفال و اراضی ملی و واکنش‌هایی که به اخبار اخیر پیرامون این مساله وجود داشت، تقریباً تمام نهادهای عالی نظام، از قوه قضائیه تا مجلس و دولت به مساله ورود کردند و سعی در حل این مساله داشته‌اند. برای مثال همین هفته گذشته بهمن افراسیابی، معاون سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری در رابطه با سرانجام ماجرای وقف جنگل آق‌مشهد خاطرنشان کرد: «آق‌مشهد پس از اینکه ازسوی اداره‌کل منابع طبیعی سناری در سال ۱۳۸۰ ملی اعلام شد، اداره اوقاف و شخصی به‌نام حسینیعلی خادمی به این اقدام اداره کل منابع طبیعی به کمیسیون ماده واحده که مرجع رسیدگی به این موضوع بوده، اعتراض می‌کند که سرانجام قاضی کمیسیون رای به ملی بودن پلاک داده و ادعای وقف را مردود می‌داند. مجدداً خادمی علیه اداره کل منابع طبیعی جهت اخذپهره مالکانه شکایت می‌کند که در این خصوص هم قاضی مربوطه ادعای نامبرده را وارد نمی‌داند. اداره اوقاف و خادمی پس از اینکه به آرای صادره در شعبه استان اعتراض می‌کنندونتیجه‌گیری می‌کنند،با اعتراض به دیوان عالی کشور، این پرونده در شعبه ۳۶ مطرح می‌شودوقاضی محترم شعبه پس از بررسی‌های لازم پرونده را جهت رفع نواقص به شعبه تجدیدنظر استان برمی‌گرداند که متأسفانه شعبه مذکور بدون اخذسوابق ونظرخواهی از منابع طبیعی اقدام به صدور رای مبتنی بر وقف بودن پلاک می‌کند. به‌رغم صدور رای پیش‌گفته برای اداره کل منابع طبیعی استان درخصوص اعمال ماده ۴۷، متأسفانه نتیجه‌ای حاصل نشد. به‌دلیل پیگیری‌ها و اعتراضات گسترده مردمی و دستگاه‌های

را هم می‌دانیم که ماجرای وقف و ادعای مالکیت اراضی ملی قصه جدیدی نیست و سال‌هاست این رویه ادامه داشته و دارد و معلوم هم نیست چه مقدار از اراضی ملی اینچنین و در همین گیرودارها و در سکوت خبری و رسانه‌ای تغییر مالکیت و کاربری داشته‌اند. اما از همه اینها مهم‌تر اتفاقی است که این بار روی

چهارشنبه ۱۹ آذر ۱۳۹۹ شماره ۳۲۰۳

جامعه

چهارشنبه ۱۹ آذر ۱۳۹۹ شماره ۳۲۰۳



ابوالقاسم رحمانی

دبیر گروه جامعه

بالاخره گویا دولت محیط‌زیستی به قول خودشان و محیط‌نیستی به‌قول متخصصان و کارشناسان زیست‌محیطی تصمیم به کنشگری مثبت در این فضا گرفته است و بعد از بلشوی برخاسته از ماجرای وقف اراضی ملی، می‌خواهد در این مدت‌زمان باقیمانده تا پایان فعالیتش کاری را انجام دهدو تاحداندکی از انفعال در حوزه محیط‌زیست و بی‌رمتی‌هایش‌را جبران کند. ماجرای وقف پلاک‌هایی از قله دماوند، جنگل‌های آق‌مشهد و… را حتما شنیده‌اید و احتمالاً یادتان هست که چه داستان عجیب و غیرقابل‌باوری در جریان بود. ابتدا فردی از اهالی مازندران پس از ۲۰ سال ممارست و پیگیری، پنج‌هزار و ۶۰۰ هکتار از جنگل‌های بگروبی‌نظیر هیرکانی در منطقه آق‌مشهد در شهر ساری استان مازندران را به‌نام خود می‌زندو همه سرگرم این ماجرا بودیم که ناگهان خبر دیگری

داده است؛ اتفاقی که نتیجه یک کنشگری صحیح اجتماعی بدون هیاهوهای زرد و بدون بازده، کنشگری و مطالبه برمبنای قانون و با ممارست و همراهی کارشناسان و برخی از مسئولان است. لایحه‌ای که دولت تدوین کرده، ظاهراً خوب به‌نظر می‌رسد، هرچند جزئیات آن هنوز دقیقاً مشخص نیست، اما هرچه

موات یا رهاشده، معدن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها وسایر آب‌های عمومی، کوه‌ها و جنگل‌ها مطابق اصل (۴۵) قانون اساسی به‌عنوان مصادیق انفال و ثروت‌های عمومی تعیین شده‌اند که در اختیار حکومت اسلامی قرار دارد تا طبق مصالح عامه نسبت‌به آنها عمل نماید. براساس ماده (۵۵) قانون مدنی، مفهوم وقف عبارت است از حبس عین مال و تسبیل منافع آن «با تحقق آن، مالکیت مال، زایل وموقوفه، شخصیت حقوقی مستقلی پیدا می‌کند ومنافع مال مزبور به اهداف مشخص‌شده، تعلق می‌گیرد. بنابراین امکان وقف انفال واموال عمومی به‌ویژه منابع طبیعی که قابل‌تملک نیست، وجود ندارد و براین اساس صدور و وجود هرگونه سند مالکیتی در این خصوص، بی اعتبار است. با توجه به گزارش‌های ناظر به وقف بخشی از انفال و منابع طبیعی کشور، اقدام قانونی با تصویب قانون مناسب برای اعلام اعتبار اقدامات صورت گرفته وجلوگیری از تکرار موضوعات مشابه، لازم به‌نظر می‌رسد. در این راستا قسمت اخیر تبصره (۶) ماده واحده قانون الحاق

دو تبصره به ماده واحده قانون ابطال اسناد فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه، اختلال در نظام انفال و منابع طبیعی، دست‌اندازی به اموال عمومی و تضییع منافع و مصالح عمومی را باعث شده است. عده‌ای سودجو با صحنه‌سازی و تظاهر به تصرف در اموال عمومی و منابع طبیعی، خود را به‌عنوان متصرف مالکانه آن منابع معرفی وسبب باوقف آن، اسباب سوءاستفاده از حکم قسمت اخیر تبصره قانون یادشده را به‌منظور آسیب به جنگل‌ها و کوهها و دیگر منابع طبیعی ملی فراهم آوردند. همچنین افراد ممکن است با سوءاستفاده از این حکم قانونی، منابع ملی و انفال را وقف خاصی خانواده خود نمایند.»

لایحه دولت ناشی از مطالبات مردمی و انتشار اطلاعاتی است که از مردم پنهان می‌شود

در پایان با محمد درویش، فعال و پژوهشگر محیط‌زیست که در پرونده‌های بحث‌برانگیز وقف انفال و اراضی ملی یکی از پای‌ثابت‌های مطالبات عمومی و حفظ مالکیت عمومی بر اراضی ملی بود، گفت‌وگویی انجام دادیم و از او در رابطه با لایحه اخیر دولت برای ممنوعیت وقف انفال سوال کردیم. او در این رابطه به «فرهیختگان » گفت : «واقعیت این است که این مطالبه اجتماعی بزرگی که شکل گرفت و ما همیشه می‌گوییم اگر مردم نباید ناامید شوند باید مطالبات خود را داشته باشند و این مطالبات اگر جدی باشد واقعا می‌تواند موثر در تغییر جهت مسیر چیدمان توسعه یا رفتار دولتمردان باشد. این امر دستاورد موثر و امیدبخشی است که دولت و حاکمیت صدای مردم را شنیده است. این نکته مثبتی است. امیدوارم این لایحه به‌صورتی باشد که تمام اموال اوقافی که در قلمرو عرصه‌های منابع طبیعی بود، مطابق این لایحه و قانون از شمول اختیارات اوقاف خارج شود و به سازمان جنگل‌ها و منابع و آبخیزداری کشور به نمایندگی از ملت برگردد؛ یعنی نه‌تنها از این بعد دادگاه‌ها هیچ رایی را به نفع اوقاف درمورد اراضی مورد اختلاف بین سازمان جنگل‌ها و سازمان اوقاف صادر نمی‌کنند، بلکه هرچه بوده برگردد. اگر این امر در این لایحه دیده شده باشد، خیلی خوب و امیدبخش است و می‌تواند برای اعلان و کنشگران و کسانی که ایران را دوست دارند الهام‌بخش باشد که همچنان مطالبه کنند. همچنان احساس کنند این کشور از خودشان است، تلاش کنند مطمئن باشند موفق می‌شوند. نزدیک ۲۰۰ هزار هکتار حداقل از عرصه‌های منابع طبیعی در اختیار اوقاف و دیگر نهادهای بوده و چون در اختیار اوقاف نبودند؛ یعنی بالاخره اگر مشخص شد بخشی نباید علیه هم شکایت کنند، این مساله سبب‌شد این امر رسانه‌ای نشود، حتی درمورد ماجرای آق‌مشهد و دماوند هم مدیرکل منابع طبیعی مازندران برکنار شد، به‌بهانه اینکه بازنشسته شده بود، ولی واقعیت این است که دوست‌ندارند چنین اتفاقی بیفتد. حتی الان منتشر شده سندی که ۱۵ سال پیش درمورد آق‌مشهد وجود داشته و آنجا دادگاه به نفع منابع طبیعی رای داده بود، فردی از تشکیلات منابع طبیعی آن را خارج کرده بود که منابع طبیعی نتواند پیگیری کند. این مسائل وجود دارد. اگر یک مدیر شجاع در منابع طبیعی نبود که اینها را افشا کند، شاید الان مردم هم در جریان نبودند؛ یعنی بالاخره اگر مشخص شد بخشی از دماوند یا بخشی از جنگل‌های هیرکانی وقف سازمان اوقاف است به‌خاطر این است که یک مدیر شجاع در تشکیلات دولتی پیدا شده و این را رسانه‌ای کرده است. اگر آن اتفاق نیفتاده بود، با‌هزم ما خبردار نمی‌شدیم. امیدوارم این اتفاق باعث شود مدیران شجاع‌ت پیدا کنند و ترس از دست دادن میز را از دست بدهند و رفتارهای مسئولیت‌پذیرانه‌تری در پیش گیرند. درکل کار مثبت‌را بهتر است همین‌طور با دید مثبت نگاه کنیم؛ یعنی هزار کار اینچنینی انجام دهند. باز مردم اعتماد نمی‌کنند. این روحانی رئیس محیط‌زیست یعنی کلانتری‌را هم برکنار کند مردم می‌گویند این دولت محیط‌زیستی نیست. به هر حال این لایحه کار مثبتی است و امیدواریم به نتیجه مطلوب برسد.»

اساس ادعای موقوفه بودن و وقف کردن جنگل، کوه، دریا و آنچه متعلق به عموم مردم است قانونی نیست

در بررسی ایجاد قانونی ماجرای وقف انفال و اراضی ملی بالاتر توضیح دادیم، اما بد نیست یک بازخوانی مختصر از گفت‌وگوی قبلی «فرهیختگان » با رسول کوهپایه‌زده، قوه‌قدان وکیل پایه‌یک دادگستری هم‌داشته باشیم. کوهپایه‌زاده در ایامی که اخبار مربوط به وقف جنگل آق‌مشهد و قله دماوند حواشی زیادی را ایجاد کرده بود، در گفت‌وگو با «فرهیختگان » خاطرنشان کرد: «اولاً مطابق ماده ۵۷ قانون مدنی واقف باید مالک مالی باشد که وقف می‌کند؛ یعنی اساساً وقف زمانی می‌تواند منشأ اثر قانونی باشد که وقف‌کننده به‌طور قانونی مورد وقف‌را در ملکیت و مالکیت خود داشته باشد. بر این اساس باید دید آیا وقف جنگل یا کوه می‌تواند مطابق با قوانین و مقررات موضوع دارای وجهات قانونی باشد یا خیر. براساس قانون ملی شدن جنگل‌های کشور و آیین‌نامه مرتبط با آن مصوب سال ۱۳۴۱، اساساً جنگل‌ها، مراتع و بیشه‌های طبیعی را نمی‌توان وقف کرد؛ یعنی ماده یک آیین‌نامه قانون ملی شدن جنگل‌های کشور مصوب ۱۳۴۱ صراحتاً اعلام می‌کند از تاریخ تصویب این آیین‌نامه عرصه و اعیانی کلیه جنگل‌ها، مراتع و بیشه‌های طبیعی و اراضی جنگلی کشور جزء اموال عمومی محسوب و متعلق به دولت است، ولو اینکه قبل از این تاریخ افراد آن را متصرف شده وسند مالکیت دریافت کرده باشند. براساس اصل ۲۴ قانون اساسی که مالکیت را در جمهوری اسلامی به سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی تقسیم می‌کند، به‌طور مشخص از آن استنباط می‌شود که اساساً دریا و کوه و جنگل متعلق به دولت است. از لحاظ مفاهیم وموازنین فقهی و شرعی هم کوه، جنگل و دریا و امثالهم به‌عنوان انفال تلقی شده و انفال دارایی‌های متعلق به عموم مردم و دولت است؛ یعنی دولت به نمایندگی از مردم و جامعه مدیریت و مالکیت جنگل و کوه و دریا را برعهده دارد. پس اساساً ادعای موقوفه بودن و وقف نمودن جنگل، کوه، دریا و آنچه متعلق به عموم مردم است و شخص اساساً هیچ مالکیتی نسبت‌به آن نداشته و ندارد، به‌لحاظ قانونی فاقد وجهات است.»

در اجرای دستور رئیس کل دیوان محاسبات کشور صورت گرفت

تهیه گزارش حسابرسی ویژه از عملکرد مالی طرح‌های عمرانی و سرمایه‌گذاری بخش آب وفاضلاب استان خوزستان برای نخستین بار

مرتبط به سنوات قبل و سایر طرح‌ها، پرداخت حساب پیمانکاران و حقوق و مزایای کارکنان و… مصرف کرده و علاوه‌بر تاخیر در انجام کار و تأمین نشدن اهداف مدنظر، موجب نارضایتی ساکنان شهرها نیز شده است. همچنین این شرکت قسمتی از اعتبارات مرتبط با طرح آب‌رسانی به شهرهای دارای تنش آبی را بابت تأسیسات و تجهیزات برقی و مکانیکی تصفیه‌خانه‌های ۱ و ۲ شهرها هزینه کرده است. در بخش دیگری از این گزارش آمده است، با وجود اینکه خرید و احداث ساختمان اداری توسط دستگاه‌های اجرایی ممنوع بوده، شرکت آب‌وفاضلاب اقدام به احداث ساختمان اداری در شهر اهواز را محل اعتبارات طرح آب‌رسانی به روستاهای شهرستان آبادان کرده، در حالی که ۲۸ روستای تابعه این شهرستان دارای مشکل کم‌آبی است. عدم بهره‌برداری و یا بهره‌برداری نادرست از تصفیه‌خانه‌های شرق و غرب اهواز یکی دیگر از تخلفات این شرکت بوده است. بر این اساس، برای احداث تصفیه‌خانه شرق اهواز وزارت امور اقتصادی و دارایی در سال ۱۳۸۳ از بانک جهانی مبلغ ۱۴۹ میلیون دلار دریافت و جهت اجرای طرح جامع فاضلاب شهر اهواز به شرکت آب‌وفاضلاب اهواز پرداخت کرده است. همچنین معادل ریالی همین مبلغ نیز توسط وزارت نیرو تأمین و پرداخت شده که با این حجم منابع باید تحول عظیمی در حل مشکلات فاضلاب شهر اهواز اتفاق می‌افتاد ولی اجرای ناصحیح پروژه و عدم نصب و راه‌اندازی کامل تجهیزات و با وجود افتتاح پروژه توسط معاون اول رئیس‌جمهور، این تصفیه‌خانه هیچ‌فعالیتی ندارد. همچنین طرح‌سازی تصفیه‌خانه غرب اهواز هم غیربرداشت

موارد متعددی از سوءمدیریت در شرکت آب‌وفاضلاب خوزستان

در گزارش هیات ویژه رسیدگی به عملکرد مالی شرکت آب‌وفاضلاب استان خوزستان به سوءمدیریت‌های متعددی اشاره شده است. وفق بررسی‌های به‌عمل‌آمده در بخش اعتبارات عمرانی، شرکت آب‌وفاضلاب شهر اهواز در سنوات ۱۳۹۷، ۱۳۹۸ و ۱۳۹۸ از محل اعتبارات مصوب دولتی (عمرانی استانی و صندوق توسعه ملی) به‌میزان ۹۸۳ میلیارد تومان، تخصیصی معادل ۷۱ درصد به مبلغ ۷۰۰ میلیارد تومان دریافت کرده، اما براساس رسیدگی به‌عمل آمده، تخلفاتی در هزینه‌کرد این مبلغ دریافتی مشهود است. براساس این گزارش، شرکت آب‌وفاضلاب خوزستان اعتبارات تخصیص یافته را در موارد غیرمرتبط از جمله دیون شرکت‌های پیمانکاری

در حاشیه

برخلاف قوانین و مقررات لازم‌الاجرا، پرداخت برای خدمات فراهی بیش از سقف مقرر قانونی به پرسنل، به‌کارگیری مشاور بدون پیش‌بینی در چارت سازمانی و… اشاره کرد.

با وجود اختصاص اعتبارات، مشکلات آب بخش غیرنایب حل نشده است

براساس گزارش هیات رسیدگی دیوان محاسبات کشور، در بخش غیرنایب با وجود اختصاص اعتبارات صندوق توسعه ملی به مبلغ حدود ۲۲ میلیارد تومان طی سال ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸، همچنین اعتبارات نفت و کمک‌های شرکت ملی مناطق نفت‌خیز، مشکلات آب این بخش حل نشده و تخلفات متعددی نیز رخ داده است.

برخی تخلفات شرکت در بخش غیرنایب شامل عدم تأمین آب برای احشام منطقه، عدم انجام تعهدات طرفین قرارداد، عدم تخصیص کل اعتبارات به پروژه و مصرف اعتبارات عمرانی به‌منظور انجام امور جاری شرکت، ایجاد تعهدات زائد، قصور و اهمال در فرآیند ارجاع کار از جمله انعقاد قرارداد پس از اتمام کار و ارجاع کار با استفاده از مکانیسم ترک تشریفات مناقصه، تدوین صورت وضعیت‌های صوری و تملک‌نداشتن بر زمین‌های مسیر پروژه، عدم اقدام قانونی در ضبط ضمانتنامه‌های برخی شرکت‌های طرف قرارداد، بهره‌برداری ناصحیح از پروژه و… است.

ارجاع گزارش هیات ویژه رسیدگی به عملکرد شرکت آب‌وفاضلاب اهواز به دادسرای دیوان محاسبات کشور

گزارش تهیه‌شده درخصوص تخلفات شرکت آب‌وفاضلاب استان خوزستان جهت رسیدگی‌های بعدی به دادسرای دیوان محاسبات کشور ارجاع می‌شود.

لازم به ذکر است که حسابرسی ویژه در این سطح و با این کیفیت در استان خوزستان برای اولین بار انجام شده است.